

## «کابل: صدها افغان، در مراسم تدفین زن مقتول، توسط قاتلان جمعی»

در پایان تصویری که در سلسله تصاویر منتشره «شیپگل آنلاین»، تحت شماره ۲ در ضمیمه این خبر جای داده شده

است، اما، در صدر از جمله همه تصاویر، انتخاب شده است. این تصویر گزارش را تزئین قابل ملاحظه بخشیده است. در سطر فوقانی همه تصاویر، چنین می خوانیم:

**«مراسم تدفین در کابل: وداع با فرخنده».**

در سطور پایان تصویر اول می نویسد: «افغان های زن، این زن جوان را به قبر حمل نموده اند، که هفته قبل در کابل از جانب صد ها مرد، به قتل رسیده است. این درگیری ارادل، او را متهم ساخته بودند، که گویا یک قرآن را سوختانده است. حال پولیس می گوید که: این ادعا دروغ بوده است.»

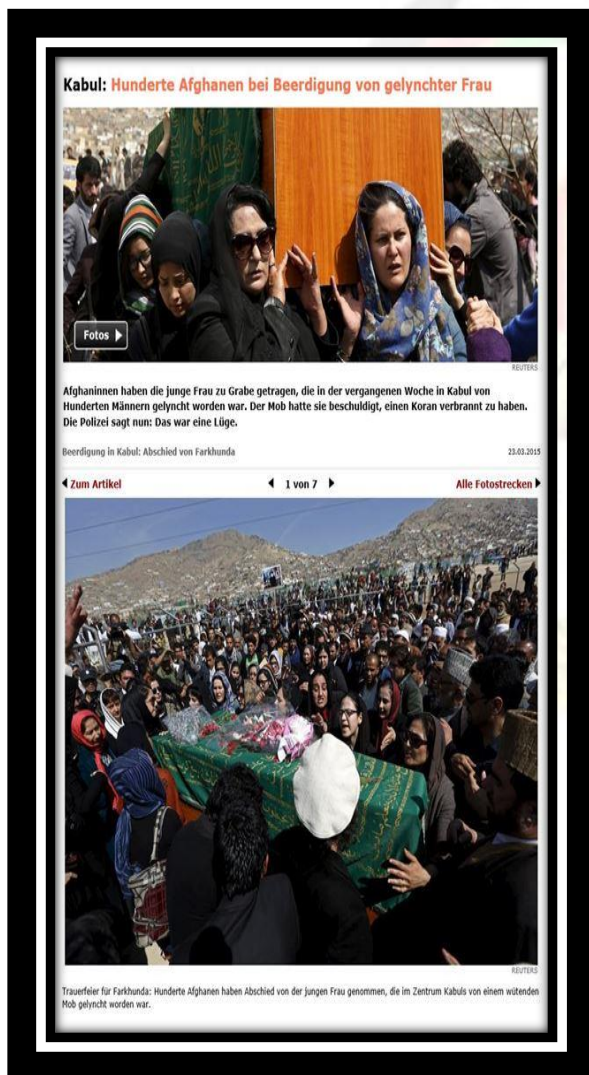
سطر پانین تصویر بعدی: «مراسم عزاداری و ماتم برای فرخنده: صدها افغان با زن جوان وداع گفتند، که در مرکز کابل توسط یک گروه خشمگین، بطور دسته جمعی به قتل رسیده است.»

در پایان این تصویر سومی می خوانیم:

«در مغایرت با تمام عنعنات، زن ها این تابوت ساده چوبی را با بقایای جسد مرده انتقال می داده اند.»

در پایان تصویر چهارم می خوانیم: «در پهلو قبر باز

صدها زن، در فکر مقتول بوده اند – در عین حال خواهان حق بیشتر برای زنان افغان شده اند»



در پایان عکس زنان ماتم کشیده و عذاب دیده، هیأت تحریر "شیپگل آنلاین" در پایان تصویر پنجم، بر طبق سلسله درین ترجمه، چنین می نویسد:

**«خشونت و زور علیه زنان در افغانستان موضوع هر روز است. لیکن قتل فرخنده توسط قاتلین جمعی، باز هم خیلی ها، هولناک بوده است.»**

به همین ترتیب، در پایان تصویر ششم این ترجمه، "شیپگل آنلاین، از پهلوی قبر، بعضی از شعار های زنان را بدین عبارات نوشته است، که می خوانیم:

**«ما خواهان عدالت برای فرخنده هستیم. ما برای زنان افغان عدالت می خواهیم.»**

در پایان تصویر هفتم می نویسد که:

**«عزاداران این حرکت سوگواری، به فرخنده بعنوان شهید با احترام یاد نموده اند.»**

در پایان تصویر شماره هشتم که آخرین تصویر این سلسله می باشد، چنین ثبت گردیده است:

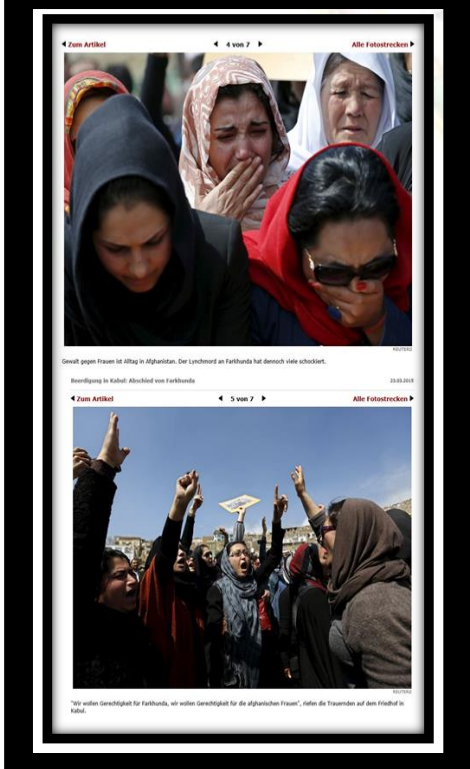
**« کابل در پنجشنبه گذشته: صدها مرد در شکار فرخنده سهیم شده اند. این زن ۲۷ ساله، متهم شده بود، که گویا یک قرآن را سوختانده است. لیکن بر اساس اظهار آمر تحقیق، برای این ادعا، هیچ گونه مدرک و اشاره و علامه وجود ندارد.»**

حال توجه خوانندگان محترم را، به متن گزارش "شیپگل آنلاین"، که به تاریخ ۲۳ مارچ، از جریان مراسم تدفین فرخنده شهید، که قلب میلیون ها انسان را خون آلود ساخته است، جلب می نمائیم:

«مراسم، ماتمی بوده است که، افغانستان تا اکنون ندیده بود. صدها انسان از زن جوان، فرخنده، وداع نمودند، که در هفته قبل در مرکز کابل، قتل او توسط یک غوغا و ازدحام جنایتکاران، بطور دسته جمعی، صورت گرفت.

**برخلاف تمام عنعنات و رسوم، تابوت او در روز یکشنبه توسط زنان، تا قبر حمل گردید.** در مراسم، ماتمداران صدا می زده اند که:

**«ما برای فرخنده عدالت می خواهیم. ما برای زنان افغان عدالت می خواهیم.»** یکی از فعالین حقوق بشر، بنام «باری سلام» درین مراسم تدفین گفته است:



## "این یک جنایت ضد فامیل او بود. یک جنایت علیه یک خواهر بود و جنایتی بود علیه بشریت."

صدها مرد، این زن ۲۷ ساله را روز پنجشنبه در مقابل مسجد شاه دو شمشیره در کابل، تا دم مرگ لت و کوب کرده اند، جسد او را آتش زده، به دریای کابل انداخته اند.

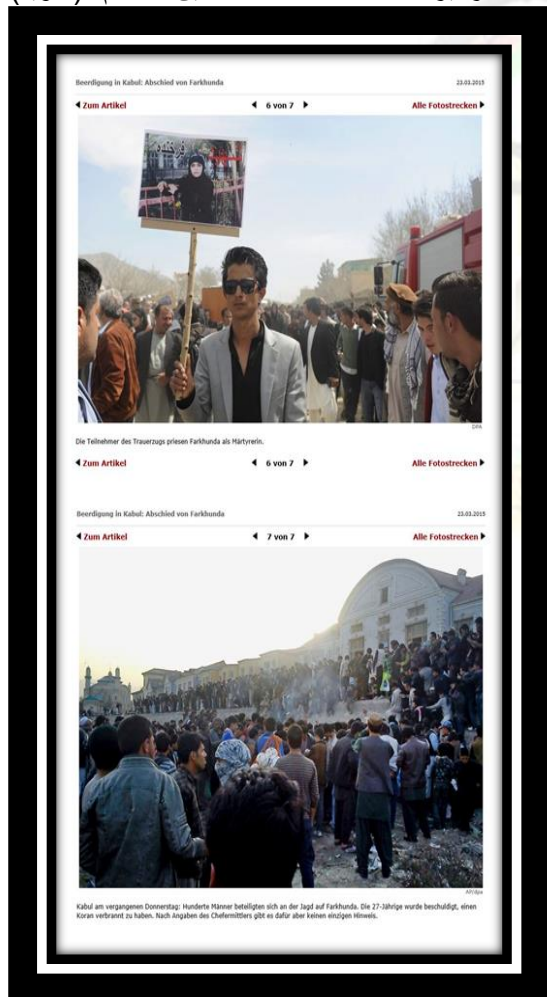
پولیس ها، این عمل را می دیده اند، اما هیچ اقدامی نه نموده اند. در "انترنیت" ده ها "ویدیو" دوره می زند، که شاهدان عینی، این جریان را نشان داده اند.

بعضی از مردان، بعد از آن هم، به این عمل در "فیسبوک"، افتخار آمیز، دست به سینه می کوبیده اند. تا اکنون ۲۱ فرد مظنون گرفتار شده اند، در جمله هم هشت پولیس شامل اند.

این مجموعه، به خانم اتهام بسته بودند، که گویا او یک قرآن را سوختانده است. تحقیقگران برای این ادعا، هیچ مدرک ثبوت و اشاره نیافته اند. محمد ظاهر، آمر تحقیق گفته است:

## "من همه اسناد و شاخص ها و فهرست ها را مطالعه نموده ام. فرخنده کاملاً بی گناه بوده است."

عوض آن گفته می شود که گویا در مقابل مسجد با مرد ها به مناقشه درگیر شده است، که به معتقدین "طلسم" (تعویذ)



می فروخته اند. از اینکه فرخنده، در تلاش بوده است، تا زنان دیگر را از خرید منصرف سازد، تا "طلسم" را نه خزند، بعد مرد ها ادعا کرده اند، که گویا او قرآن را آتش زده است.

بر اساس اظهارات یک پولیس افغان و هم بر اساس منبع سازمان ملل متحد، گویا این خانم در چهار سال گذشته، تحت معالجه یک تکلیف روحی بوده است. برادرش این موضوع را رد می کند. نجیب الله برادر فرخنده گفته است:

"پدرم فقط این را از پیش خود گفته است، تا مردم را آرام سازد." فامیل مقتول از زمان این قتل، تحت حفاظت پولیس قرار دارد. « ختم ترجمه متن. منبع: ("شپیگل آنلاین"، ۲۳ مارچ ۲۰۱۵م)

یادداشت مختصر مترجم: همین منبع "شپیگل" قبل از این گزارش، به تاریخ ۲۰ مارچ ۲۰۱۵م، هم چنان گزارش مختصری را، مشابه به این متن با تفاوت نسبی، بدست نشر سپرده است، که در مجموع، توجه بیشتر، به خشونت و زور و ظلم علیه زنان، در افغانستان، بطور برجسته گزارش یافته است. در جمله اول روز ۲۰ مارچ در گزارش از کابل می نویسد:



« خشونت علیه زنان در افغانستان، به واقعات روز مبدل گردیده است. اما هیچگاه به این پیمانۀ علنی نشده بود، مانند اینکه بعد از ظهر پنجشنبه در مرکز پایتخت افغانستان، کابل، صدها مرد جمع شده اند، تا یک زن را به قتل رسانند. مدعی شده بودند، که گویا در نزدیکی مسجد شاه دو شمشیره، یک قرآن را سوختانده است.»

این مجله آگاه که از وقایع ناگهان گذشته نیز یادآور می شود، در رابطه با وضعیت سیاسی - اجتماعی کشور می نویسد: " فقط یک شایعه کافی بوده است: تا چنین یک غوغا بر پا شود و بر یک زن حمله ببرند. ده ها نفر این جریان قتل، این جمعیت را توسط تلفون های "سمارت" خود، عکاسی نموده و ویدیو ها را، به نمایش گذاشته اند. درین فلم ها نشان داده می شود که چگونه شعوری و هدفمند برین قربانی لگد می زنند. دیگران با سوت چوب بر این زن می کوبند. در ضمن صدای "الله اکبر" - خدا بزرگ است، را به زبان می آورند.»

درین گزارش هم چنان از عدم اقدام پولیس نیز سخن می گوید. بعد از قتل، این افراد جنایتکار، جسد را به دریا می اندازند. «از بالای پل و لب دریا، صدها شاهد صحنه قتل ایستاده بوده اند. بعداً اطفانیه شعله های جسد سوزان را خاموش می سازد.»

ضرب المثلی است که می گویند: "وقتی تنور گرم است، باید نان پخت." حال از هر جهت، "افراد" وابسته به گروپ های سیاسی، هر یک به زعم خود، تلاش پخش افکار خود را دارند. با تأسف که با مسایل اساسی جامعه ما، و درک اساسی از پرابلم های اجتماعی - سیاسی کمتر توجه صورت می گیرد. بعضی ها چشم امید به "نسل جوان" دوخته اند. وقتی از رهبر کشور می شنوند، که "شصت فیصد" جامعه ما را جوانان تشکیل داده اند، ممکن کمتر توجه نموده باشند، که چه ترکیب در جوانان ما، در حال حاضر موجود است. اثرات احتمالی منفی بحران بیش از سه دهه در چه عمق و وسعت موجود است.



Flüchtlinge-Kinder im Ausbildungslager des



Widerstandes: Noch Hunderttausende Tote?

در کشور جنگ زده ما، می دانیم، که یک زمان اطفال وطن ما، چگونه تعلیم دیده اند. بطور نمونه در سالهای آغاز بحران "بی پایان"، همین مجله "شپیگل"، قریب سی و یک سال قبل از سیستم آموزشی و تعلیمی، در یکی از "کمپ های" واقع در خارج از سرحدات کشور ما، در شماره ۴۵، سال ۱۹۸۵م، گزارش داده است. فقط سطر پایان این نساور را از نظر می گذرانیم: "اطفال مهاجرین در تعلیمگاه مقاومت: صدها هزار کشته دیگر؟" - باید گاهی هم از



خود بپرسیم که این بحران و فعالیت های آن روز ها، در چنان یک فضای دو قطبی افراطی، "آیدیالوژیکی" و "سیاسی"، چه نسلی را، بوجود آورده است. در همان گزارش، آموزش دهنده را با این بیرق نشان داده است. البته در گزارش، نمونه از اطفال را در آنزمان، در داخل کشور، نیز نشان می دهد که پدر و مادر و اقارب را از دست داده بودند و در "پرورشگاه وطن"، نگهداری می شده اند. (در پایان تصویر هیأت تحریر مجله می نویسد: "اطفال یتیم در پرورشگاه کابل: هزاران طفل بحیث کمونیست های استوار پرورش می یابند.")

نمونه های بی حساب از مصیبت ها و غم و اندوه و تباہی در هر کنج و کنار کشور مسلط می باشد. صرفنظر از اینکه در جهت ثبات "سیاسی - اجتماعی" قدم های لازم و مؤثر برداشته نشده است، درک لازم هم از وضعیت کشور، بمشاهده نمی رسد.

علایم تمایلات "نژاد پرستی"، نوع "فاشیستی"، در همه گروپ های ابتدی" و حرکات مشابه در حلقات "افراطیت مذهبی"، از مدت ها، مشهود بوده است.

پایان

**تبصره اداره:**

این مضمون چند روز پس از فاجعه قتل دختر بیگناه، بی پناه و مظلوم افغان "فرخنده" که هنوز معلومات دقیقی از جریان کشتار وحشیانه آن هموطن مظلوم و بی دفاع در دست نبود، تحریر گردیده است.

